



## داستان‌های اقلیمی رهیافتی برای شناخت معماری خانه‌های منطقه بر پایه نظریه منطقه‌گرایی انتقادی

(مطالعه موردی: شهر تهران)

گلرخ فریور<sup>۱</sup>، منوچهر فروتن<sup>۲\*</sup>، مریم چرخچیان<sup>۳</sup>، رضا صادقی شهپر<sup>۴</sup>

<sup>۱</sup> گروه معماری، دانشکده معماری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج، کرج، ایران. farivar.0009@gmail.com

<sup>۲\*</sup> (نویسنده مسئول) استادیار گروه معماری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد همدان، همدان، ایران. manouchehr.foroutan@gmail.com

<sup>۳</sup> استادیار گروه معماری، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران. m\_charkhchian@pnu.ac.ir

<sup>۴</sup> گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد همدان، دانشگاه آزاد اسلامی، همدان، ایران. reza.shahpar@iauh.ac.ir

### چکیده

امروزه یکی از دغدغه‌های معماری در شهر تهران، شکل‌گیری خانه‌هایی فاقد هویت منطقه‌ای، یکسان‌سازی محیط کالبدی و از بین رفتن هویت معماری و سیمای ظاهری خانه‌ها است. این در حالی است که مفهوم سکونت و خانه در ایران با فرهنگ و اقلیم هر منطقه گره خورده است و این امر در داستان‌ها و به طور خاص ادبیات اقلیمی و شناخت نگاه نویسندگان که برگرفته از لایه‌های زندگی افراد است، قابل مطالعه و بررسی می‌باشد. مسئله‌ای که اینجا قابل طرح است بازشناسی نقش داستان‌های اقلیمی در آگاهی از عناصر و ویژگی‌های معماری در گذشته است. روش تحقیق این پژوهش تفسیرگرایی با روش مطالعات تطبیقی و رویکرد پژوهش از نوع کیفی است. نوع پژوهش به لحاظ هدف بنیادی، و با توجه به اینکه خروجی آن قرار است از نوع روش باشد پس به لحاظ نوع نتایج تبیینی و به لحاظ شیوه تحلیل نقد ادبی است. شیوه گردآوری داده‌ها کتابخانه‌ای و از آنجایی که بنیاد این پژوهش بهره‌گیری از ادبیات اقلیمیست، لذا از نقد ادبی و تحلیل محتوا استفاده گردید. یافته‌های پژوهش حاکی از این است که از طریق اصول منطقه‌گرایی انتقادی می‌توان با ویژگی‌های داستان‌های اقلیمی آشنا شد. کاربرست روش نقد معنایی با رویکردهای روایت‌شناسی، لغوی (صورت‌گرایانه)، فنی، نشانه‌شناسی ساختاری، اجتماعی و زیبایی‌شناسی در شناخت معماری خانه‌های قدیمی از طریق داستان‌های اقلیمی مؤثر است.

### اهداف پژوهش:

۱. بررسی ویژگی‌های معماری خانه‌های قدیم تهران براساس داستان‌های اقلیمی.

۲. تبیین کاربرد نظریه منطقه‌گرایی انتقادی در بازشناسی معماری خانه‌های قدیم تهران.

### سوالات پژوهش:

۱. چگونه می‌توان از داستان‌های اقلیمی در بازشناسی ویژگی‌های معماری خانه‌های قدیمی تهران استفاده کرد؟

۲. نظریه منطقه‌گرایی انتقادی چه کاربردی در شناخت معماری خانه‌های قدیمی تهران دارد؟

### اطلاعات مقاله

مقاله پژوهشی

شماره ۳۹

دوره ۱۷

صفحه ۲۸۸ الی ۳۰۷

تاریخ ارسال مقاله: ۱۳۹۸/۱۱/۲۷

تاریخ داوری: ۱۳۹۹/۰۳/۱۴

تاریخ صدور پذیرش: ۱۳۹۹/۰۷/۱۶

تاریخ انتشار: ۱۳۹۹/۰۹/۰۱

### کلمات کلیدی

داستان اقلیمی،

معماری منطقه‌ای،

خانه‌های قدیمی تهران،

منطقه‌گرایی انتقادی.

### ارجاع به این مقاله

فریور، گلرخ، فروتن، منوچهر، چرخچیان، مریم، صادقی شهپر، رضا. (۱۳۹۹). داستان‌های اقلیمی رهیافتی برای شناخت معماری خانه‌های منطقه بر پایه نظریه منطقه‌گرایی انتقادی (مطالعه موردی: شهر تهران). هنر اسلامی، ۱۷(۳۹)، ۲۸۸-۳۰۷.

doi [dx.doi.org/10.22034/IAS.2020.2448546.13541](https://dx.doi.org/10.22034/IAS.2020.2448546.13541)

## مقدمه

امروزه بحران هویت مکان که موجب پایین بودن سطح کیفی زندگی شهروندان شده، از مسائل مهم شهرها به حساب می‌آید. عدم توجه به هویت مکانی معماری منطقه و در پی آن شکل‌گیری بناهای فاقد هویت منجر به قطع ارتباط انسان با مکان شده است. از بین رفتن هویت معماری سیمای ظاهری «خانه‌ها» در شهرها و به دنبال آن از بین رفتن هویت مکانی شهرها در ایران شده است. همسان شدن بی‌قواره شهرها و مناطق مختلف که از تبعات معماری مدرن و خردگرایی محض است، با وجود این که هر منطقه داستان و معماری مخصوص به خود را داراست، سبب گردیده شهروندان به شهر تنها به عنوان رفع نیاز خود و به عنوان یک کاربر نگاه کنند. درحالی که خلق محیط غنی و احیاء ویژگی‌های منطقه‌ای و بومی می‌تواند سبب بهبود این ارتباط گردد. اهمیت دادن به ارزش‌های منطقه‌ای، فرهنگی و اجتماعی و جستجوی هویت در مناطق مختلف ایران، جهت حفظ و بقای هویت فرهنگی و معماری بومی هر منطقه ضروری است. خلق فضاهای معماری با توجه به اصول «منطقه‌گرایی» و «معماری منطقه‌گرا» به موازات استفاده از امکانات عصر مدرن و معماری عصر مدرن منجر به حفظ هویت و ارزش‌های معماری مناطق مختلف ایران در عین سود بردن از مزایای جهانی معماری نوین است. «منطقه‌گرایی انتقادی» است، می‌تواند منجر به خلق معماری با هویت منطقه‌ای در کنار ظاهری مدرن شود.

لذا با بی‌هویت شدن خانه‌های شهر تهران و ضعیف شدن حس تعلق خاطر در این فضاها و همچنین قطع شدن اتصال مردم با فرهنگ و معماری گذشته، باعث گردید تا به انجام این تحقیق از طریق خوانش «داستان‌های اقلیمی حوزه تهران» که یکی از بهترین منابع جهت استخراج معیارهای فرهنگی و طبیعی هر منطقه است، پرداخته شود. داستان‌های اقلیمی غالباً بازتاب‌دهنده ویژگی‌ها و عناصر مشترک کالبدی و غیرکالبدی همچون معماری و عناصر مرتبط با آن، فرهنگ، سنت، آداب و رسوم و... یک منطقه جغرافیایی هستند. نویسندگان این‌گونه از ادبیات که اغلب واقع‌گرا هستند، مهارت زیادی در اشاره به جزئیات دارند. در نتیجه داستان‌های نقل شده از نویسندگان بومی و رئالیست هر منطقه می‌تواند یکی از بهترین منابعی باشد که از طریق آن‌ها می‌توان محورهای مرتبط با معماری یک منطقه را مورد خوانش قرار داد. لذا در این پژوهش با کمک متون ادبیات داستانی اقلیمی حوزه تهران که ناقل فرهنگ، فضا سازی و معماری گذشته این شهر هستند، به واکاوی معماری و فضا سازی خانه‌های قدیم تهران پرداخته شده است. از طرفی معماری منطقه‌گرا سبکی از معماری است که به ما در بهبود این اوضاع کمک خواهد کرد، همچنین رویکردی منعطف و سیال است با دیدگاهی تحلیلی و انتقادی که تأکید بر حفظ ویژگی‌ها و خصوصیات خاص مکان دارد.

در خصوص پیشینه پژوهش حاضر باید گفت تاکنون پژوهش مستقلی با این عنوان انجام نشده است، اما آثار ادبی متعددی در تاریخ ادبیات ایران و جهان وجود دارد که حاوی اطلاعات مهمی درباره معماری همان دوره است. از آن میان می‌توان به آثاری چون کتاب هفت جلدی «در جستجوی زمان از دست‌رفته» مارسل پروست (۱۹۲۷-۱۹۱۳) و «گوژپشت نوتردام» می‌توان اشاره کرد. همچنین در منابع داخلی، دیباج (۱۳۸۲) در کتاب «شعر و خانه‌ی ما» معماری را در ادبیات معاصر بررسی کرده است. کتاب «قصه شهر (تهران، نماد شهر نو پرداز ایرانی ۱۲۹۹-۱۳۳۲)»

نوشته محسن حبیبی (۱۳۸۹)، روایتی است براساس شناخت اجزای قصه شهر تهران که بر مبنای رمان‌های نویسندگانی چون بزرگ علوی، صادق هدایت، محمد مسعود، مشفق کاظمی و ... که بین سال‌های ۱۲۹۹ تا ۱۳۳۲ شکل می‌گیرد و نویسنده با تعریف اجزای قصه مانند پیرنگ، درون‌مایه، شخصیت، زاویه دید، صحنه‌پردازی، فضاسازی و غیره به دنبال تحلیل آن‌ها در متن شهر است، زیرا مکان‌ها و فضاهای شهری در ادبیات داستانی مدرن پدیدار می‌شوند و در قصه‌های مکتوب جای می‌گیرند. کتاب «شهر و تجربه مدرنیته فارسی» نوشته نرگس خالصی مقدم (۱۳۹۲)، چگونگی بازنمایی تهران در رمان فارسی را در بر گرفته است. مقاله «بازنمود مفاهیم و ساختار ادبی قرآن در معماری اسلامی» نوشته مهدی سعدوندی و همکاران (۱۳۹۲)، بر آن است تا با بهره‌گیری از روش تطبیقی نامتوازن، چگونگی تأثیر قرآن بر معماری اسلامی را از طریق عناصر ادبی آن نشان دهد. در مقاله «رویکردی باستان‌شناسانه به بازشناسی مفاهیم کاربردی و معنوی عناصر معماری دوران اسلامی ایران بر پایه دیوان اشعار حافظ شیرازی» نوشته موسوی حاجی و همکاران (۱۳۹۱) تلاش شده است تا برای نخستین بار با بهره‌گیری از مبانی نظری مکاتب نوین باستان‌شناسی و سایر علوم وابسته، مفاهیم کاربردی و معنوی عناصر معماری دوران اسلامی ایران در اشعار حافظ مورد بررسی قرار گیرد. در مقاله «بازیابی عنصر مکان در بوف کور صادق هدایت بر پایه جغرافیای تاریخی ری و تهران» نوشته کاووس حسن-لی (۱۳۹۶)، در بخش‌هایی از رمان بوف کور اثر هدایت، آشکارا به برخی مکان‌ها اشاره شده، در این مقاله با تکیه بر نشانه‌های درون‌متنی اثر و انطباق آن‌ها با جزئیات جغرافیایی تاریخی ری و تهران نقشه مسیر راوی در مکانی واقعی و عینی بازشناسی می‌شود. بررسی پژوهش‌های انجام شده در دسترس حاکی از آن است که تاکنون تحقیق و پژوهشی همچون عنوان مطرح شده این پژوهش با تأکید بر بحث «داستان اقلیمی و معماری بومی - منطقه‌ای» انجام نپذیرفته است و این امر وجه تمایز میان این پژوهش با پژوهش‌های مشابه آن است.

پژوهش حاضر با تحلیلی میان‌رشته‌ای در حوزه پژوهش‌های مطالعات تطبیقی (تطبیق معماری بومی - منطقه‌ای با ادبیات اقلیمی) است. روش تحقیق این پژوهش تفسیرگرایی با روش مطالعات تطبیقی و رویکرد پژوهش از نوع کیفی است. نوع پژوهش به لحاظ هدف بنیادی، و با توجه به اینکه خروجی آن قرار است از نوع روش باشد پس به لحاظ نوع نتایج تبیینی و به لحاظ شیوه تحلیل نقد ادبی است. شیوه گردآوری داده‌ها کتابخانه‌ای و از آنجایی که بنیاد این پژوهش بهره‌گیری از ادبیات اقلیمی است، لذا باید نقد ادبی و تحلیل محتوا صورت گیرد. در این پژوهش هشت رمان از هشت نویسنده مطرح حوزه تهران در زمینه ادبیات داستانی با نام‌های «دل کور» اثر اسماعیل فصیح، «شکر تلخ» اثر جعفر شهری، «چشمه‌هایش» اثر بزرگ علوی، «قلتش دیوان» اثر محمدعلی جمالزاده، «تفریحات شب» اثر محمد مسعود، «یادگار یک شب» اثر مرتضی مشفق کاظمی، «زیبا» اثر محمد حجازی و «بوف کور» اثر صادق هدایت، که تمامی این داستان‌ها مختص تهران قدیم در عصر معاصر است مورد خوانش و بررسی قرار گرفته است. با استفاده از تکنیک تحلیل محتوا در ادبیات داستانی بارهیافت تفسیری و همچنین با استفاده از روش نقد معنایی با رویکردهای روایت‌شناسی، نشانه‌شناسی ساختاری، نقد اجتماعی، نقد لغوی (صورت‌گرایانه)، نقد زیبایی‌شناسی و نقد فنی، استخراج عناصر و ویژگی‌های معماری خانه‌های تهران قدیم در عصر معاصر بر مبنای نگاه منطقه‌گرایانه صورت گرفته است.

## ۱. منطقه‌گرایی

## ۱.۱. معماری منطقه‌گرا

منطقه‌گرایی یک راهبرد، ابزار، فن، نگرش، ایدئولوژی یا عادت‌ی از تفکر است. به رغم تظاهرات بسیار، در مجموع یک نظریه است که از پایداری در برابر صورت‌های مختلف از برتری‌جویی، جهانی‌سازی و یا ساختارهای استاندارد شده که تفاوت‌های بومی را کاهش می‌دهند، حمایت می‌کند. از تئوری‌ها، نگرش‌ها، روش‌ها و معیارهایی برای حفاظت، تجدید حیات و در صورت نیاز، بازسازی زندگی در چارچوب ویژگی‌های منطقه‌ای پیشنهاد می‌دهند (Canizaro, ۲۰۰۷: ۲۰). واژه منطقه‌گرایی در اواخر قرن هجدهم، به جهت «انتقاد از معماری مدرن» به یکی از نظریه‌های اصلی این دوران تبدیل شد که با توجه به این دیدگاه، معماری هر منطقه باید با در نظر گرفتن شکل و فرم، بوم و اقلیم، سنت‌های فرهنگی و مصالح مختص آن منطقه و همچنین با توجه به فعالیت‌های ویژه موجود در همان منطقه شکل گیرد (Colquhoun, ۱۹۹۷). تعریف منطقه‌گرایی به تبع تعدد و سیر تحول در انواع رویکردهای این نظریه، طیف وسیعی را در بر می‌گیرد، اما در نگاه کلی می‌توان گفت که توجه به ویژگی‌های زیست بوم، مسائل اقلیمی، شرایط فرهنگی و اجتماعی و ارزش‌های محلی از نکات مورد توجه منطقه‌گرایی به حساب می‌آیند (بایزیدی و همکاران، ۱۳۹۲: ۹). اوزکان (۲۰۰۷)، ورود به بحث منطقه‌گرایی را مدخل بحث در مورد هویت معماری می‌داند. وی منطقه را شامل منطقه جغرافیایی می‌داند که بسیاری از جنبه‌های زندگی مردم جامعه، اعم از فرهنگی و محیطی را تعریف می‌کند. وی همچنین، منطقه‌گرایی را اصلی‌ترین جنبش انتقادی در پاسخ به جهانی‌سازی می‌داند. رویکردی که شامل روش بومی ساختمان‌سازی از یک سو و روش برداشت انتزاعی از محیط از سویی دیگر است. به اعتقاد وی، اگرچه منطقه‌گرایی بر طیف وسیعی از دیدگاه‌ها قرار گرفته است اما اساساً به فرهنگ و اقلیم و فناوری روز توجه دارد (Ozkan, ۲۰۰۷: ۱۰۳).

قدمت آگاهی از معماری منطقه‌ای به عنوان شاخصی برای هویت گروهی خاص به یونان باستان باز می‌گردد یونانی‌ها در متن سیاست کنترل و رقابت در شهرها و مستعمرات خود از عوامل معماری برای نمایش هویت گروه حاضر در یک منطقه استفاده می‌کردند. مشخص‌ترین مرجع طراحی منطقه‌گرا، «ده کتاب معماری» ویتروویوس<sup>۱</sup> است (Tzonis, ۲۰۰۳: ۱۱). در تعریف ساده منطقه‌گرایی در معماری می‌توان چنین گفت: به کارگیری خصوصیات منطقه‌ای اعم از کالبدی و فیزیکی مانند: شکل و فرم، مصالح، آب و هوا، و غیرکالبدی مانند: سنت‌ها، فرهنگ و عوامل تأثیرگذار محیطی، در هر بنا و ساختمانی (Serageldin, ۱۹۸۹: ۸۰-۸۳). رویکردهای مختلفی در زمینه منطقه‌گرایی مطرح است؛ منطقه‌گرایی سبکی، منطقه‌گرایی مدرن، منطقه‌گرایی نوین، منطقه‌گرایی انتقادی، منطقه‌گرایی تعاملی، زیست منطقه‌گرایی، منطقه‌گرایی بازتابنده، منطقه‌گرایی غیر مدرن و منطقه‌گرایی اجرایی (شایان، ۱۳۸۷)، که از میان این رویکردها، «منطقه‌گرایی انتقادی» مورد توجه این پژوهش است.

<sup>۱</sup> Vitruvius

## ۲.۱. منطقه‌گرایی انتقادی

مبدعان واژه منطقه‌گرایی انتقادی، الکساندر زونیس معمار و لیان لغور تاریخ‌دان هستند. در تعریف زونیس و لغور (۱۹۹۶)، ایده منطقه، ایستا و بسته نیست. از این گذشته، ایده منطقه‌گرایی تعریف شده توسط آن‌ها، به جز در حوزه توجه به ارتباط معمول با مکان و بهره‌گیری از عناصر طراحی منطقه، در مواجهه با معماری جهانی، متفاوت با تعاریف پیشین منطقه‌گرایی است. به عقیده آن‌ها، اساسی‌ترین مشخصه‌های بناهای منطقه‌گرایی انتقادی، آن است که این بناها در دو حوزه، انتقادی هستند. علاوه بر آنکه نسبت به شیوه ناهنجار، خود بزرگ بین و غیر انسانی بسیاری از بناهایی که تحت نفوذ جریان فعال ساخت و ساز در سراسر دنیا ساخته می‌شوند، تصورات متضادی ایجاد می‌کنند، این پرسش را نیز در ذهن مخاطبان درباره درستی بسیاری از سنت‌های منطقه‌ای که بناها به آن‌ها تعلق دارند بر می‌انگیزانند (Tzonis & Lefaivr, ۱۹۹۶). کولکوهان (۲۰۰۷)، منطقه‌گرایی انتقادی را حاصل الحاق واژه کهن منطقه‌گرایی با واژه جدید انتقادی می‌داند. به عقیده وی، انتقادی در این زمینه به دو معنا به کار می‌رود؛ ابتدا پایداری در برابر شیوه غالب زندگی و روابط میان انسان‌ها که با دل‌بستگی‌های بی‌مایه اقتصادی همراه شده است و دیگری پایداری در برابر ارجاع صرف به گذشته از طریق جابجایی عناصر منطقه‌ای از بستر طبیعی و آشنایی‌زدایی آن‌ها و خلق تأثیری از غریبگی. کولکوهان بر این نکته تأکید می‌کند که منطقه‌گرایی، تنها یکی از مفاهیم بیان معمارانه است و چیزی که به این بیان اهمیت ویژه‌ای بخشیده، پیروی از سنت انتقادی پایداری است (Colquhoun, ۲۰۰۷: ۱۴۷-۱۵۵).

منطقه‌گرایی انتقادی از دیدگاه فرامپتون، تجربه فرعی در محیط مدرنیسم است که از طریق توجه خاص به ویژگی‌های زمین و بستر طبیعی، در عین حالی که از جنبه‌های آزادیخواهانه اندیشه مدرنیسم، حمایت می‌کند سعی در مقابله با نسخه‌های واحد آن به ویژه در تطبیق با شرایط اقلیمی دارد (شایان و کاملنیا، ۱۳۸۷: ۱۲). فرامپتون همچنین ۱۰ اصل را به عنوان اساس «منطقه‌گرایی انتقادی» مطرح می‌کند (جدول ۱) که خلاصه آن به شرح زیر است:

- ۱- منطقه‌گرایی انتقادی و فرم‌های بومی گرایانه ۲- جنبش مدرن ۳- افسانه و واقعیت منطقه ۴- اطلاعات و تجربه‌ها
- ۵- فضا/ مکان ۶- گونه‌شناسی / توپوگرافی ۷- زمین‌ساختی / صحنه‌آرایی ۸- دست‌ساز (مصنوعی) / طبیعی ۹- شهودی (بصری) / لمسی ۱۰- پست مدرنیسم و منطقه‌گرایی (Frampton, ۱۹۸۷).

جدول ۱. بررسی اصول منطقه‌گرایی انتقادی فرامپتون. مأخذ: نگارندگان (Frampton, ۱۹۸۷).

| اصول | نکات اصلی | تمایز بین | انتقادات وارده | نکات مثبت |
|------|-----------|-----------|----------------|-----------|
|------|-----------|-----------|----------------|-----------|

|                                    |  |   |   |  |
|------------------------------------|--|---|---|--|
| منطقه‌گرایی و فرم‌های بومی گرایانه | منطقه‌گرایی انتقادی باید فراتر از یک سبک باشد.   | منطقه‌گرایی و بوم‌گرایی   | پیوندی که توسط آن زیبایی‌شناسی نسبت به منطقه‌گرایی ارجحیت پیدا می‌کند.            | منطقه‌گرایی انتقادی تلاشی احیاء کننده، خودآگاه و جدی است.                  |
| جنبش مدرن                          | معماری سیاست فرهنگ است.  | - رهایی بخش، انتقادی و شاعرانه<br>- سنت‌های مدرنیسم و گسترش بی پایان اشیاء غیر متصل | کاهش عملکردگرایی مدرنیسم  | میراث انتقادی مدرنیسم  |
| افسانه و واقعیت منطقه              | یک افسانه می‌تواند به یک نیروی مهم و خلاق تبدیل شود.                                       | منطقه‌گرایی محدود کننده و آزادانه   | تصور از منطقه فقط مفهوم محلی و آب و هوا است.                                      | مفهوم گفتمان به عنوان یک مکتب معماری                                       |
| اطلاعات و تجربه‌ها                 | رسانه‌ها اغلب به عنوان یک تاثیر منفی عمل می‌کنند.  | اطلاعات موجود و تجربه‌های واقعی   | نشان دادن تصاویر نامتعارف از ساختمان‌ها توسط رسانه‌های سوذجو                      | تجربه‌ای درست از فرم پیکره ساختمان‌ها                                      |
| فضا/ مکان                          | قلمرو شهری غیر مجاز باعث از بین رفتن کل حوزه مدنی در جامعه مدرن می‌شود.                    | مرز و محوطه   | توسعه شهری مدرن به عنوان گسترش دامنه جهانی به صورت خصوصی سازی‌های غیر قابل دسترس. | قلمرو شهری و اجتماع خودی   |
| گونه‌شناسی/ توپوگرافی              | گونه‌شناسی اصطلاحی است که هم به تمدن و هم به فرهنگ مربوط است.                              | سایت خاص و ساختمان‌های منفصل  | ساختمان‌های معمولی به عنوان یک شی هنری از ابتدا قابلیت جا به جایی دارند.          | رویکردهای فرهنگی که در تاریخ واقعی و یا اسطوره‌ای یک مکان خاص بنا شده‌اند. |
| زمین‌ساختی/ صحنه‌آرایی             | این دستاورد ساختاری به معماری ابزارهای فنی پشتیبانی ساختمان و واقعیت اسطوره‌ای اشاره دارد. | درک خیالی از یک شکل ساخته شده   | نقطه نظر فعلی نسبت به کاهش فرم ساخته شده به عنوان یک صحنه هنری                    | تعامل با طبیعت   |
| دست ساز/ طبیعی                     | طبیعت تنها توپوگرافی و سایت نیست بلکه آب و هوا نیز هست                                     | تکنیک‌های تمدن جهانی و تکنیک‌های اقلیمی منجر به تعامل با مکان می‌شود.               | بی توجهی به فضاهای کنترل شده اقلیمی.  | ویژگی‌های طبیعی یک مکان خاص و یک فرهنگ به خصوص                             |
| شهودی/ لمسی                        | همه حواس غیر از حس بینایی در تجربه معماری نقش دارند.                                       | درک بصری و لمسی از فضا  | تاکید بر روی بازنمایی ظاهری   | تجربه فضای قابل لمس توسط حس لامسه  |

|                            |  |                                       |  |  |
|----------------------------|--|---------------------------------------|--|--|
| پست مدرن‌سیم و منطقه‌گرایی | منطقه‌گرایی دیدگاهی است مابین تاریخ‌گرایی و نظریه پسا مدرن | ننو تاریخ نویسان و ننو آوانگاردیست‌ها | رویکردهای ضد مدرن و ضد آزادی برای معماری | تشدید مداوم نوسازی به عنوان یک فرایند اجتناب ناپذیر. |
|----------------------------|--|---------------------------------------|--|--|

## ۲. داستان اقلیمی و ویژگی‌های آن

درباره اصطلاح «اقلیم» باید گفت که در اینجا مراد از آن، منطقه و ناحیه‌ای خاص با آب و هوا و طبیعت بومی ویژه‌ای است که مشخص و متمایز از دیگر اقلیم‌هاست و از این نظر، جمع بین دو معنای اقلیم - در استعمال قدیم و کنونی - یعنی «ولایت» و «آب و هوا» می‌باشد (صادقی شهپر، ۱۳۸۹: ۳۵). داستان اقلیمی گونه‌ای از داستان‌نویسی در ادبیات است که زائیده شرایط اقلیمی و جغرافیایی است. اصطلاح دیگری در زبان انگلیسی برای داستان اقلیمی به کار می‌رود<sup>۲</sup> که در تعریف آن گفته‌اند: داستانی است که در صحنه و زمینه آن، غالباً آداب و رسوم و سنت‌ها، لهجه و گفتار محلی، پوشش‌ها، فولکلور و حتی شیوه‌های تفکر و احساس مردم یک منطقه نشان داده می‌شود به گونه‌ای که این عناصر بومی، متمایز و مشخص کننده یک اقلیم خاص است (Abrams, ۱۹۹۳: ۱۰۷). در برخی تعاریف میان داستان ناحیه‌ای و داستان محلی تفاوت‌های اندکی قائل شده‌اند: «رمان ناحیه‌ای (Novel Regional) رمانی است که به کیفیت و مختصات جغرافیایی بومی و ناحیه‌ای وفادار بماند و بر محیط و قلمرو خاصی تمرکز داشته باشد. در این رمان‌ها توجه بسیار به توصیفات و خصوصیات بومی و ناحیه‌ای از جمله نحوه لباس پوشیدن و صحبت کردن و آداب و رسوم می‌شود این خصوصیات به عنوان پایه و اساس داستان کارکرد دارد» (میرصادقی و ذوالقدر، ۱۳۷۷: ۱۴۷). اقلیم‌گرایی در داستان‌نویسی معاصر ایران به طور جدی از دهه ۱۳۳۰ شمسی آغاز می‌شود و در دهه‌های ۴۰ و ۵۰ به اوج و شکوفایی خود می‌رسد. البته داستان اقلیمی به اندازه داستان‌نویسی معاصر قدمت دارد و آفرینش نخستین داستان اقلیمی به سال ۱۳۰۵ شمسی بر می‌گردد. در داستان‌نویسی معاصر ایران از مشروطه تا انقلاب اسلامی می‌توان چند حوزه یا شاخه داستان‌نویسی اقلیمی شمال، جنوب، شرق (خراسان)، غرب (کرمانشاه) و آذربایجان را مشخص کرد (صادقی شهپر، ۱۳۸۹: ۳۵). در این پژوهش داستان‌های حوزه اقلیمی تهران بررسی شده است که منتقدی آن را سبک یا مکتب مرکز می‌نامد و نمایندگانش را اسماعیل فصیح، تقی مدرسی و جمال میرصادقی می‌داند (شیری، ۱۳۸۲: ۱۴۸).

در ادبیات داستانی معاصر ایران، از داستان‌هایی با ویژگی‌های خاص تحت عنوان «داستان اقلیمی» نام برده می‌شود و در اصل «داستانی است که به سبب بازتاب گسترده عناصر اقلیمی و محیطی به دو شکل تزئینی و پویا در طی حوادث و ماجراها، کاملاً رنگ بومی دارد و متعلق به منطقه‌ای خاص و متمایز از دیگر مناطق است. این عناصر بومی مشترک و تمایز بخش عبارتند از: فرهنگ مردم منطقه؛ شامل معتقدات، باورها و آداب و رسوم، مشاغل و حرفه‌ها، شکل معماری منطقه، توصیف طبیعت بومی، خوراک‌ها، پوشش‌ها و زبان محلی (واژه‌های بومی و اصطلاحات محلی، لهجه و ساختار

<sup>۲</sup> نوشته محلی (Local Color Writing)

بومی زبان، ترانه‌ها و سرودهای عامیانه)، شیوه معیشتی و اقتصادی و تولیدی، سرگرمی‌های بومی، مکان‌ها و مناطق بومی، طبیعت بومی، صور خیال اقلیمی، جنبش‌ها و تحولات سیاسی و اجتماعی منطقه» (شیری، ۱۳۸۲: ۳۷). همچنین روانشناسی مردم منطقه، بازآفرینی قصه‌ها و افسانه‌های محلی و بومی، تقابل سنت و مدرنیته، توصیف حس مکان و... از جمله دیگر مسائل بازتابیده در داستان‌های اقلیمی است. از میان عناصر تشکیل دهنده داستان‌های اقلیمی، برخی از آنان به طور مستقیم با بحث «معماری» در ارتباط هستند، که در زیر توضیحات مختصری درباره آن‌ها داده شده است، لازم به ذکر است که در چهار حوزه اقلیمی نام برده شده به همه ویژگی‌ها به یک اندازه پرداخته نشده و در برخی از اقلیم‌ها به بعضی از این ویژگی‌ها و عناصر بیشتر توجه شده است.

توصیف طبیعت بومی یکی از این ویژگی‌ها است. اقلیم شمال؛ دریا، جنگل‌های انبوه و سرسبز، شالیزارها و مزارع چای و توتون، اقلیم جنوب (به دلیل گستردگی منطقه به سه گونه توصیف تقسیم‌بندی می‌شوند)؛ (دریا با همه مسائل و پدیده‌های موجود در آن؛ صید، جدال صیادان با کوسه‌ها، تردد کشتی‌ها و لنج‌ها در دریا و...)، بیابانی (بیابان‌های بی آب و علف و گرم و سوزان به همراه نخلستان‌هایشان و...)، صنعتی-کارگری (توصیف محیط‌های صنعتی و کارگری در ارتباط با صنعت نفت و کشتیرانی، اقلیم شرق؛ بیابان و کویر با پادهای همیشگی با هوای گرم و آفتاب سوزان تابستان‌ها و سردی و خشکی زمستان‌های کویر... و زندگی پر از خشونت ایل نشینان منطقه، خست طبیعت و زمین، اقلیم غرب؛ بیشتر با توصیف‌هایی از محیط روستا و کارهای مرتبط با آن مواجه هستیم با توجه به اینکه به طور کلی، طبیعت بومی در این داستان‌ها، کمتر چهره خود را نشان می‌دهد. این گونه عناصر بومی، در داستان‌ها چنان برجسته و چشمگیر و جدایی‌ناپذیر است که اگر حوادث و ماجراهای داستانی را از این محیط جدا کرده و در جای دیگری قرار دهیم، داستان کارکرد اصلی خود را از دست خواهد داد. مکان‌ها و مناطق بومی در داستان‌های اقلیمی برجسته و مورد تأکید هستند. استفاده از نام مکان‌ها و شهرها و روستاهای منطقه و همچنین بازتاب نام مکان‌ها و مناطق بومی در داستان‌ها از دیگر عناصر اقلیمی است که داستان را نشان‌دار می‌کند و بیانگر تعلق به منطقه‌ای مشخص است.

پرداختن به باورها و آداب و رسوم محلی نیز در این داستان‌ها مشهود است. در داستان‌های شمالی، بیشتر با رسومی چون عروسی، سوگواری عاشورا و عید نوروز مواجه هستیم تا باورهای خرافی و عقاید عامیانه. در منطقه جنوب با آن گستردگی و تنوع اقلیمی‌اش، معدن و منبع غنی از مراسم آیینی و معتقدات و باورهای رازآلود مردمی است. شکل معماری منطقه و توجه به آن نیز در داستان‌های اقلیمی پررنگ است. اقلیم شمال؛ خانه‌های گالی پوش و بدون مرز و دیوار، و گاه دارای چپر و پرچین، سقف‌های سفالی، کومه‌های پراکنده در اطراف مزارع و شالیزارها با شکل خاص گوشه‌های کلشی و گالی بام‌هایش، خانه‌های چوبی ساخته شده بر روی پایه‌های چوبی با چشم‌اندازی از طبیعت بکر. اقلیم جنوب؛ کپر‌ها، چادرها، لوکه‌ها و عریش‌های ساخته شده از شاخ و برگ نخل در کنار هم و گاه با فاصله و دوری از همدیگر در میان نخلستان‌ها و مزارع قرار گرفته‌اند، شکل قالب مسکن داستان‌های جنوبی است. اقلیم شرق؛ آب و هوا و اقلیم این منطقه باعث ساخته شدن خانه‌هایی با دیوارهای گلی ضخیم شده است که در زمستان مانع از سرما و در تابستان کار کردی خنک کننده دارد. در این داستان‌ها به طور کلی خانه‌ها گلی، سقف گنبدی و دارای دیوار و



حصار، کوچه‌های پر پیچ‌گاه دالان‌دار، آبگیری در وسط روستا برای مصارف گوناگون و نیز گودال بزرگ محل مواد زاید بوده است. نکته دیگر تقدس آب در بین مردمان این منطقه است، به گونه‌ای که در داستان‌های شمالی هیچ ردپایی از نزاع و کشمکش بر سر آب دیده نمی‌شود. اقلیم غرب؛ شکل عمومی خانه‌های روستایی منطقه غرب، اتاقی است از کاه گلی که در سقف آن روزنه برای نور و هوا و در وسط آن تنور قرار دارد و چسبیده به اتاق نشیمن و در اطراف آن، اتاق‌هایی برای نگهداری دام‌ها و ... در اقلیم آذربایجان، خانه‌های چسبیده به یکدیگر که به راحتی می‌توان از بامی به بام دیگر رفت. استخر یا حوض بزرگی در وسط روستا که برآورنده همه نیازهای روستاییان است. همچنین خانه‌ها گلی، بام‌ها کوتاه و روزنی در وسط سقف که برای عبور نور و روشنایی است و نیز تنوری میان اتاق برای فصول سرد. از دیگر ویژگی‌هایی که در داستان‌های اقلیمی دیده می‌شود، تقابل سنت و مدرنیسم است. حضور صنعت و کارفرمایان و مهندسان خارجی در مراکز صنعتی، که نشان‌دهنده تقابل و تضاد و از بین رفتن سنت‌ها و مظاهر بومی است که به خصوص در اقلیم جنوب دیده می‌شود (صادقی شهپر، ۱۳۹۱: ۱۲۰-۱۱۶).

### ۳. تحلیل اصول منطقه‌گرایی انتقادی و عناصر تشکیل‌دهنده مرتبط با معماری در داستان‌های اقلیمی

در بازشناسی معماری و هویت تاریخی معماری ایران، منابع متعددی کمک حال معماران و پژوهشگران است. اما باید به این نکته توجه داشت که معماران و پژوهشگران معماری تنها بعد کالبدی معماری در بناها را مورد توجه قرار داده‌اند. اما در ادبیات داستانی بدون تأکید خاص بر معماری، همه فضاها و حس و حال مکانی در فضاهای معماری و شهری به روایت داستان در هر کجای شهر و از هر کالبدی مورد توجه قرار می‌گیرد. با توجه به این مطلب که «ادبیات آیینی حوادث و رخداد‌های جاری و تاریخ ملت‌هاست» می‌توان چنین نتیجه گرفت که آنچه که به روایت داستان در می‌آید، بستری برای تحلیل، تفسیر و خوانش شهر است. لذا هنرهایی مانند ادبیات و به ویژه رمان که در آن محتوا بسیار اهمیت دارد در معماری می‌تواند حائز اهمیت باشد. در ادبیات داستانی ایران نیز نویسندگان در داستان‌های خود سعی بر نشان دادن معماری و جزئیات مرتبط به آن که جزء جدایی‌ناپذیری از داستان است، داشته‌اند. به گونه‌ای که این داستان‌ها می‌توانند منابع غنی از اطلاعات معماری و شهرسازی دوره‌های گذشته باشند. «داستان اقلیمی» نوعی از داستان است که به دلیل اشاره به جزئیات موجود در یک منطقه به خصوص (شهر تهران) مانند: شکل معماری منطقه، توصیفات مکانی، اشاره به آداب و رسوم آن منطقه، فضا‌سازی‌های مختص آن منطقه و... که همگی از اصول جدایی‌ناپذیر در این داستان‌ها به حساب می‌آیند، می‌تواند به بازسازی فضاها و مکان‌هایی که در حال حاضر به دلایلی اعم از گذشت زمان و عدم رسیدگی مناسب به آن‌ها از بین رفته و دیگر در دسترس نیستند، کمک کند. از طرفی «منطقه‌گرایی انتقادی» گونه‌ای از معماری است که در تلاش است تا با اهمیت دادن به ویژگی‌های کالبدی و غیر کالبدی مختص یک منطقه، هویت آن منطقه را با در نظر گرفتن امکانات عصر مدرن، حفظ نماید. لذا با تطابق میان «ویژگی‌های داستان‌های اقلیمی» و «اصول منطقه‌گرایی انتقادی»، ارتباط میان آن‌ها بررسی و در جهت خوانش داستان‌های اقلیمی «مکتب تهران» مورد استفاده قرار گرفته است. لازم به ذکر است که از میان تمامی ویژگی‌های

موجود در داستان‌های اقلیمی فقط تعدادی از آن‌ها به طور مستقیم و یا غیر مستقیم با مفاهیم معماری و منطقه‌گرایی انتقادی در ارتباط بوده (تصویر ۱) که در ادامه به آن‌ها پرداخته شده است.

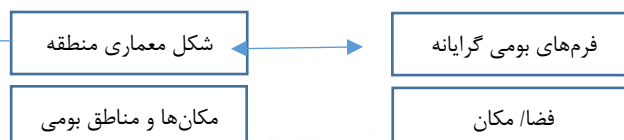
۱- **فرم‌های بومی‌گرایانه / شکل معماری منطقه:** منطقه‌گرایی انتقادی صرفاً توجه به بوم نبوده بلکه سبکی به حساب می‌آید که با در نظر گرفتن اصول و زیبایی‌های بومی در جهت احیای بوم و منطقه تلاش می‌کند. یکی از این اصول همان شکل معماری منطقه است که در داستان‌های اقلیمی نیز وجود دارد که در آن به بحث کالبد و گونه‌های مختلف شکلی و سبکی معماری منطقه هم از لحاظ فرم و هم از لحاظ استفاده از مصالح می‌پردازد.

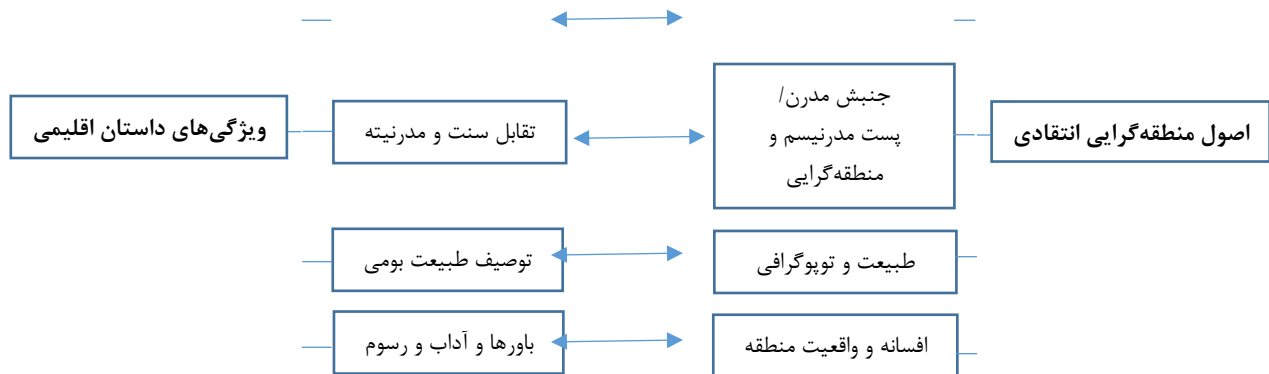
۲- **فضا و مکان / مکان‌ها و مناطق بومی:** در بحث فضا و مکان در منطقه‌گرایی انتقادی تلاش در حفظ قلمرو منطقه و جامعه خودی مختص آن منطقه است و با به وجود آمدن جامعه مدرن در جهت حفظ هویت منطقه، اجازه نمی‌دهد که این مرز و قلمرو کمرنگ شده و یا از بین برود. مطلبی که در داستان‌های اقلیمی تحت عنوان نام مکان‌ها و مناطق بومی گفته شده که در اصل در جهت نشان‌دار کردن داستان و نشان دادن تعلق داستان به منطقه‌ای خاص است.

۳- **جنبش مدرن و پست مدرنیسم در منطقه‌گرایی / تقابل سنت و مدرنیته:** منطقه‌گرایی انتقادی تلاشی برای حفظ هویت‌ها و سنت‌ها در عین سود بردن از امکانات عصر مدرن است. به این معنی که در حین انتقاد از یکسان‌سازی مدرن که نتیجه خردگرایی محض است، تکنولوژی‌های عصر مدرن را نیز بخشی از کار خود قرار داده و سعی بر نوسازی و کاهش عملکردگرایی مدرنیسم دارد. در اصل دیدگاهی مابین تاریخ‌گرایی و نظریه پسامدرن است. در داستان‌های اقلیمی نیز با ورود مدرنیته و عناصر فرهنگ خارجی به ایران بخشی از سنت‌ها و مظاهر بومی را خدشه دار کرده و این موجب تقابل بین سنت و مدرنیته شده است.

۴- **توپوگرافی / توصیف طبیعت بومی:** از دیدگاه انتقادی فرامپتون طبیعت تنها توپوگرافی و سایت نیست بلکه آب و هوا را نیز در بر می‌گیرد. ویژگی‌های طبیعی یک مکان خاص و فرهنگ به خصوص همان تکنیک‌های اقلیمی هستند که منجر به تعامل با مکان می‌شوند. توپوگرافی نام برده شده در اصول منطقه‌گرایی انتقادی فرامپتون در اصل همان توصیف طبیعت بومی در داستان‌های اقلیمی است که فرامپتون به دلایل معمارانه آن را برجسته‌تر کرده است. حضور طبیعت در داستان‌های اقلیمی نیز چشمگیر است، تا آنجا که از آن طریق می‌توان اقلیم منطقه را با توجه به توصیفات طبیعت بومی مانند: درختان، جنگل، بیابان، آب و هوا و ...، شناسایی کرد.

۵- **افسانه و واقعیت منطقه / باورها و آداب و رسوم:** در دیدگاه منطقه‌گرایی انتقادی، هر افسانه‌ای که در فرهنگ هر منطقه‌ای وجود دارد می‌تواند موجب ابداع طرح جدید و به وجود آوردن نیروی خلاق جهت حفظ هویت‌های منطقه شود.

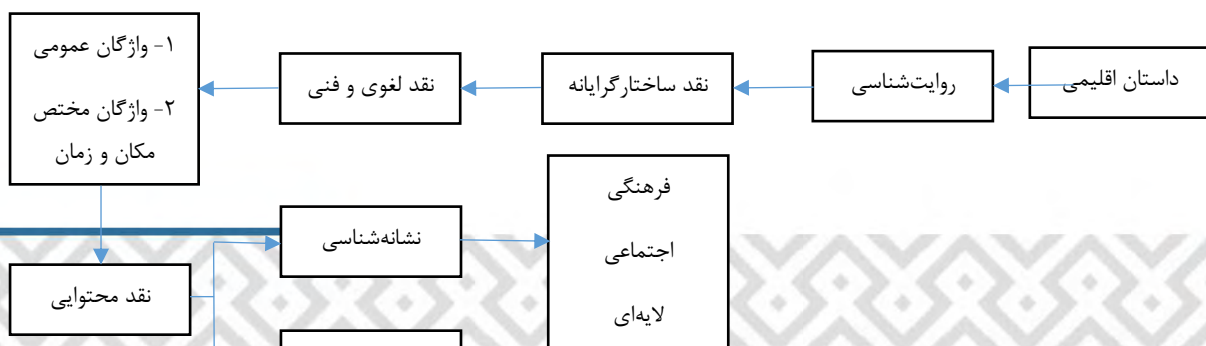




تصویر ۱. نمودار تطابق میان اصول منطقه‌گرایی انتقادی و ویژگی‌های داستان‌های اقلیمی (مأخذ: نگارندگان).

#### ۴. فرآیند واکاوی داستان‌های اقلیمی در جهت خوانش مفاهیم منطقه‌گرایی انتقادی

در فرآیند نقد داستان در پژوهش حاضر، اولین گام نقد ساختارگرایانه آن است. به این معنا که از طریق نقد روایت‌شناسی کلیت داستان در یک ساختار و فرم مشخص تشریح شده تا مشخص شود که این داستان از چه ساختاری برخوردار است و مطالب مرتبط با داستان اقلیمی در آن صادق است. در مرحله بعد از نقد لغوی (صورت‌گرایانه) و فنی جهت یافتن مفاهیم مرتبط با اقلیم و اجزای معمارانه در داستان از طریق یک سری کلید واژگان مشخصی که مستقیماً به معماری اشاره دارد، استفاده و اجزاء آن استخراج شده است، لازم به ذکر است که این کلید واژگان خود به دو دسته قابل تقسیم‌اند، دسته اول واژگانی که عمومی هستند و متعلق به منطقه خاصی نبوده و امروزه نیز به کار می‌روند مانند: اتاق، راهرو و...، و دسته دوم واژگانی که به معماری گذشته تعلق داشته و امروزه دیگر کاربردی ندارند و یا نام آن‌ها تغییر کرده است مانند: صندوق‌خانه، حوض‌خانه، مطبخ و... . سپس در گام بعدی از طریق این کلید واژگان وارد نقد عمیق‌تری تحت عنوان نقد نشانه‌شناسی پساساختارگرا با روش‌های نقد محتوایی یا معنایی با رویکردهای اجتماعی، فرهنگی و زیبایی‌شناسی شده که به لایه‌های پنهان تر متن اشاره دارد و از طریق معنای استعاره‌ها و مجازهای موجود در متن داستان صورت گرفته است. فرآیند تحلیل گفته شده در نمودار زیر نشان داده شده است (تصویر ۲).



تصویر ۲. نمودار فرآیند تحلیل (مأخذ: نگارندگان)

#### ۱.۴. فرم‌های بومی گرایانه / شکل معماری منطقه

شیوه نقد لغوی (صورت‌گرایانه) در خوانش داستان‌ها را می‌توان برای استخراج واژه‌های مرتبط با فضاهای معماری خانه به کار برد، که این واژه‌ها خود به دو دسته تقسیم می‌شوند: ۱- عمومی: که شامل واژگانی است که به صورت عمومی بوده و در تمامی مکان‌ها از آن‌ها استفاده می‌شوند و به منطقه خاصی تعلق ندارند، مانند: اتاق، راهرو، حیاط، حوض، پله و...، ۲- مختص منطقه و یا زمانی خاص است، یعنی از آن واژه‌ها در مناطق، مکان‌ها و یا دوره‌های زمانی به خصوص استفاده شده است، مانند: اندرونی، بیرونی، جلوخان، مطبخ، آب‌انبار، حوض‌خانه، صندوق‌خانه، اتاق‌هایی با کاربری‌های خاص (اتاق تالار، اتاق سنگی، اتاق پذیرایی، بالاخانه، مهمانخانه، اتاق زاویه، اتاق ارسی) و... نمونه‌هایی از آن‌ها در داستان‌های «دل کور» اثر اسماعیل فصیح، «یادگار یک شب» اثر مشفق کاظمی، «قلتش دیوان» اثر جمالزاده و «زیبا» اثر حجازی که در زیر آمده، قابل مشاهده است: «اولین خاطره‌ای که از مختار در مغز صادق حک شد کاری بود که مختار آن روز بعد از ظهر توی حوضخونه با گل مریم کرد. از روی تشکچه‌ای که گل مریم صادق کوچولو را روی آن توی حوضخانه خوابانده بود...» (فصیح، ۱۳۷۲: ۷). «... صاحب منصب به تمام قسمت‌های عمارت آشنا بوده بدون راهنمایی او یکسر به طرف صندوقخانه رفت.» (کاظمی، ۱۳۰۵: ۹۹). «خانه متشخص و معتبر کوچه همانا خانه افراسیاب خان قلتش دیوان بود. این خانه در بیخ کوچه واقع بود و علاوه بر جلوخان مختصری هشتی مفصلی و بیرونی و اندرونی و خلوت...» (جمالزاده، ۱۳۷۹: ۲۰-۲۱). «چون مدتی بود حوض و آب انبار خشک بود و از بی‌آبی خیلی در زحمت بودیم...» (حجازی، ۱۳۴۵: ۳۱۰).

#### ۲.۴. فضا و مکان / مکان‌ها و مناطق بومی

از آنجایی که فضا و مکان زمانی معنا پیدا می‌کنند که در تعامل اجتماعی میان افراد قرار گیرند، لذا از طریق نشانه‌شناسی اجتماعی می‌توان مفاهیم مرتبط با زمینه و بافت مکان را استخراج کرد. در اصل برقراری ارتباط (که یکی از وظایف نشانه‌شناسی به حساب می‌آید) میان فضا، مکان و اجتماع انسانی که از این طریق می‌توان رابطه مکان با گروه‌های مختلف اجتماعی را شناسایی کرد. مانند: حضور افراد به خصوص در یک کوچه، محله و یا منطقه. برای نمونه در داستان «شکر تلخ» اثر جعفر شهری آمده است: «در محله عودلاجان تهران کوچه ایست به اسم کوچه حاجی‌ها و این اسم را کوچه از آن جهت گرفته است که ساکنان آن از غالب مردم شهر متمول‌تر و کسانی که استطاعت آنرا داشته تا خانه خدا را زیارت کرده...» (شهری، ۱۳۴۷: ۱۹). این نوشته‌ها مشخص‌کننده «نشانه‌های هویت» اجتماعی است و ارتباط

این هویت‌های اجتماعی را با مکان بازگو کرده و بُعد هویت مکان که بُعدی از هویت اجتماعی به حساب می‌آید را نیز مشخص می‌کند. به عبارتی در این داستان، کوچه حاجی‌ها کوچه‌ای است که بازگو کننده هویت افراد ساکن در آن است، که در عین مرفه بودن، دارای اعتقادات مذهبی نیز بوده. پس چنین نتیجه گرفته می‌شود که بخشی از محله عودلاجان تهران، نشان‌دهنده هویتی سنتی- مذهبی و مرفه را همگی با هم داراست.

نشانه‌شناسی اجتماعی منجر به استخراج رابطه فضا و اجتماع اهل خانه می‌شود. برای نمونه، فرهنگ گرد کرسی نشستن و شب‌نشینی در فضای زیرزمین که این بخشی از فرهنگ اجتماعی مردم ایران بوده که علاوه بر نشان دادن تعامل اجتماعی که جزء «نشانه‌های آداب معاشرت» به حساب می‌آید، فضا سازی را نیز توضیح می‌دهد. تعاملات اجتماعی شامل؛ عوامل کالبدی مانند: مکان و شکل مکان، و فعالیت‌ها است. برای مثال در داستان «دل کور» اثر اسماعیل فصیح، به لحاظ فضایی و مکانی، زیرزمین، کرسی، چراغ و فعالیت‌های دیگر مانند تخمه شکستن، باعث ایجاد تعاملات اجتماعی میان افراد خانه شده است. «صادق هنوز گل خانم را در آن شب‌ها، زیر کرسی، توی زیرزمین، که همه تیلیک تیلیک تخمه میشکستند و چراغ گردسوز دود می‌کرد، جلوی چشمانش داشت.» (فصیح، ۱۳۷۲: ۹). به وسیله نقد نشانه‌شناسی، نشان‌هایی که از طریق آن فضاها معنا پیدا می‌کنند مورد بررسی قرار می‌گیرد. واژه‌هایی که از طریق آن «حس آمیزی» و فضا سازی صورت می‌گیرد و از این طریق در مکان‌های کالبدی فضا و حس و حال فضایی ساخته می‌شود. برای مثال در بخشی از داستان «دل کور» آمده: «خیابان خاکی تاریک و خلوت بود و هنوز بوی نم آبپاشی عصر را می‌داد» (فصیح، ۱۳۷۲: ۳۵). نویسنده از طریق «بوی نم آبپاشی» این فضا سازی صورت گرفته است. به این معنی که وجود عناصر به خصوصی در کنار هم، در افراد حس سرزندگی را ایجاد می‌کند و به مکان معنا می‌دهد. از طرفی به کمک تقابل‌های دوگانه در نشانه‌شناسی منجر به استخراج تقابل میان شب و روز/ تاریکی و روشنی شده، آنجا که از خیابان تاریک و خلوت که نماد شب است در مقابل واژه عصر که نماد روز است قرار گرفته و این دو از طریق عامل کالبدی فضا ساز تحت عنوان بوی نم آبپاشی با یکدیگر ارتباط پیدا می‌کنند، و سپس حیات و سرزندگی به وجود آمده را در تقابل تاریکی و خلوتی کوچه و خیابان قرار می‌دهد. با استفاده از نقد فنی و زیبایی‌شناسی، از طریق فنون ادبی که در متن داستان آمده، ویژگی شاعرانه و ادبی متن یافته شده و می‌توان تناسبات و تشبیهات زیبایی موجود در متن داستان را استخراج نمود. برای مثال، علوی (۱۳۶۳: ۲۱) در داستان «چشمه‌هایش» می‌نویسد: «آقا رجب می‌گوید که گاهی در شب‌های تابستان، موقعی که آسمان نیلگون و جواهر نشان بود، روی بام می‌رفت تا آخر شب مدت‌ها پس از آنکه آقا رجب و زرش در خواب غرق شده بودند...»، در این متن زیبایی آسمان به جواهری نیلگون تشبیه شده است. همچنین به لحاظ معماری از بام و فضای زیبای آسمان آن در جهت مثبت استفاده کرده و برای آن خانه ارزش زیبایی‌شناختی قائل شده است.

با استفاده از شیوه تحلیل تقابل دوگانه در نشانه‌شناسی عناصر متقابل در موقعیت‌های متقابل در داستان‌ها مورد استخراج قرار گرفت. برای نمونه سنت در مقابل مدرنیته، یا به عبارتی تهران قبل از ورود مدرنیته و بعد از ورود مدرنیته. با توجه به تغییر در شکل ظاهری خانه‌ها و به طور کلی ساختار شهر و ایجاد تقابل میان بخش سنتی و بخش مدرن که این تقابل را می‌توان در مصالح مدرن، ساختمان‌ها، فروشگاه‌ها و مراکز خدماتی مدرن و به سبک اروپایی، و همچنین تخریب برخی اماکن و... که همگی نشان دهنده ورود مدرنیته به این شهر بوده مشاهده کرد. در داستان «دل کور» تقابل سنت و مدرنیته از طریق تقابل‌های دو گانه چنین آمده است: ساختمان بلند/ ساختمان کوتاه، مصالح نوین (بتن، سنگ مرمر، شیشه و نئون)/ مصالح بومی (آجر و کاهگل و گچ)، سیم‌ها و دکل برق/ درخت. و یا در داستان «شکر تلخ» اثر جعفر شهری، از تقابل میان کالبد قدیم و جدید شهر تهران صحبت به میان آمده است: «ردیف از ساختمان‌های بلند و مغازه‌های شیک از فولاد، بتن، سنگ مرمر، شیشه و نئون، در این گوشه از تهران مدرن گل کرده بود. ... دیوارهای توسری خورده ی آجری و کاهگلی و گچی بالا میزد. ... همان سال بود که از طرف شهرداری آمدند و درخت بلوط سر کوجه شیخ کرنا را از بیخ کنند، چون برای سیم‌های برق خطر داشت» (فصیح، ۱۳۷۲: ۲۵۵-۲۰۶). «خیابان هنوز آسفالت نشده بود و درشکه سوار و دوچرخه سوار وسط شلوغی و گرد و خاک وول می‌زدند» (فصیح، ۱۳۷۲: ۳۰). «کارهای ساختمانی نیز به دستور دولت جدید به راه افتاده از آنجا که بعضی دروازه‌ها باید خراب و معابر سنگ‌فرش روی و مجاری آب‌ها پوشیده شده خیابان‌ها تسطیح و تنظیم گردیده کسب مجبور به تعمیر و تغییر قیافه‌های نامطبوع اماکن خود گردیده بودند و جنبشی محسوس در جمود و خمود صد و پنجاه ساله مردم پدید آمده بود» (شهری، ۱۳۴۷: ۴۵۳).

#### ۴.۴. توپوگرافی / توصیف طبیعت بومی

از طریق نقد فنی مسائل مربوط به اقلیم و آب و هوا در داستان‌ها قابل شناسایی هستند. برای مثال در داستان «چشمه‌ایش» چنین بر می‌آید که غرق نور شدن استعاره از وجود آفتاب تند و شدید در شهر و منطقه تهران است: «آفتاب پاییز بعد از ظهر تمام فضا را غرق نور کرده بود» (علوی، ۱۳۶۳: ۱۳۴). از طریق نقد زیبایی‌شناسی چنین استخراج می‌شود که از آنجایی که ایرانیان از دیرباز به طبیعت و گل و گیاه علاقه فراوان داشته‌اند و باغ ایرانی را تمثیلی از بهشت می‌دانند، همواره سعی بر این بوده که محیط زندگی‌شان را نیز به وسیله همین عنصر با صفا و دلچسب کنند. استفاده از درختان و گیاهان در خانه‌ها نه تنها موجب زیبایی فضا بلکه عنصری کاربردی جهت خنکی هوا و ایجاد سایه‌اندازی نیز بوده است. نمونه‌هایی از آن در داستان‌های «چشمه‌ایش» و «شکر تلخ» قابل مشاهده است: «درخت‌های بلند چنار و انار و شمشاد در تابستان دور حوض سایه مطبوعی می‌انداختند اول بهار عطر گل سرخ استاد در غده‌های بزرگ جا می‌داد...» (علوی، ۱۳۶۳: ۲۱). «... اندرون وسیعی دارای اشجار فراوان بید مجنون‌های پر شاخ و برگ انار و سیب و مو در هم به اضافه شمشادهای سر بریده منظمی در اطراف باغچه‌ها...» (شهری، ۱۳۴۷: ۱۷۴)

## ۵.۴. افسانه و واقعیت منطقه / باورها و آداب و رسوم

از طریق روش نشانه‌شناسی پساساختارگرا مانند نشانه‌شناسی فرهنگی، اجتماعی و گفتمانی، می‌توان افسانه‌ها و یا اسطوره‌های سرزمینی را استخراج نمود. برای نمونه: شمایل حضرت محمد نشانه دینداری و ارادت به حضرت محمد، آینه؛ به معنای روشنایی و راستی، چراغ لاله؛ روشنایی، نور و اشرافیت، و با کنار هم قرار گرفتن تمامی این‌ها هویت و فرهنگ معنا پیدا می‌کند. «حتی دیوارهای اتاق تالار علاوه بر قاب شمایل حضرت محمد و آینه و چراغ لاله، پوشیده از قالیچه‌های دیوارکوب بود» (فصیح، ۱۳۷۲: ۸۱) و یا از طریق نشانه‌شناسی فرهنگی چنین استخراج می‌شود که تفکیک فضاها به بیرونی و اندرونی در فرهنگ ایرانی-اسلامی نشانه‌ای از حفظ محرمیت بوده است. برای نمونه، کاظمی در داستان «یادگار یک شب» چنین می‌گوید: «...خیال نکنی تمام خانه صاحب این عمارتست چون در ایران مملکت مسلمان‌ها زندگانی می‌کند یک قسمت از آن را مانند ما درست کرده بیرونی اندرونی دارد اینجا بیرونی و پشت آن اتاق اندرونی است» (کاظمی، ۱۳۰۵: ۷۵). شیوه نشانه‌شناسی اجتماعی در گفته زیر بازگو کننده این است که در ایران جایگاه افراد با خانه‌هایشان بسیار به هم وابسته است (نشانه‌های هویت اجتماعی) و داشتن خانه فقط یک سرپناه به حساب نمی‌آید بلکه بیان کننده موقعیت و اعتبار اجتماعی و همچنین هویت اجتماعی فرد است (جمالزاده ۱۳۷۹: ۱۳). در داستان «قُلْتَشَن دیوان» می‌نویسد: «در ایران ما برعکس فرنگستان که امروز دیگر مردم شهر نشینش عموماً آجاره‌نشین هستند اغلب دودمان‌ها و خانواده‌ها پشت اندر پشت و تبار اندر تبار اباعن جد در همان شهر و همان محله و همان کوچه و همان خانه بزرگ شده همان‌جا نشو و نمای یافته‌اند و به همین ملاحظه شاید بتوان گفت که وطن پرستی محلی یعنی علاقه به شهر و محله و کوچه و خانه عموماً در ایران بیشتر از فرنگستان است». خلاصه و جمع‌بندی تحلیل‌های حاصل از تطبیق‌های داده شده و خوانش صورت گرفته در جدول ۲ ارائه شده است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

جدول ۲. تحلیل‌های حاصل از تطابق میان اصول منطقه‌گرایی انتقادی فرامپتون و ویژگی‌های داستان‌های اقلیمی (مأخذ: نگارندگان).

| اصول منطقه‌گرایی<br>انتقادی فرامپتون | ویژگی‌های<br>داستان‌های اقلیمی | روش نقد | مفاهیم و نمونه‌ها  |
|--------------------------------------|--------------------------------|---------|--|
|                                      |                                |         | مفاهیم: گونه‌های شکلی و کارکردی فضاهای خانه، عناصر فضایی خانه‌ها، گونه‌شناسی شکلی خانه‌ها، مصالح و فرم‌ها به کار رفته در معماری بومی |

|  |                                     |                             |  |
|--|-------------------------------------|-----------------------------|--|
| <p>واژه‌های عمومی: اتاق، راهرو، حیاط، زیرزمین، ایوان، پله. واژه‌های مختص منطقه یا زمانی خاص: اندرونی، بیرونی، هشتی، دالان، مطبخ، آب انبار، حوضخانه، صندوقخانه، اتاق شکم دریده، خانه‌های این منطقه دارای دو فضا به نام‌های بیرونی و اندرونی، دارای دو حیاط بزرگ و کوچک که توسط هشتی و دالانی به هم مرتبط شده، همچنین ارتباط بین بیرون و درون خانه نیز توسط همین نوع از هشتی و دالان صورت می‌گرفته. حیاط به صورت مرکزی بوده و دور تا دور آن را اتاق‌هایی با کاربری‌های مختلف (اتاق تالار، اتاق سنگی، اتاق پذیرایی، بالاخانه، تالار، سرسرای عمارت، مهمانخانه، اتاق زاویه، اتاق ارسی، اتاقک پشت‌بام، اتاق‌های بالای آب انبار، اتاق بالای ایوان، اتاقی که به اندرون باز می‌شود) تشکیل داده. خانه‌ها معمولاً دارای دو طبقه و واسط بین درون (اتاق‌ها) و بیرون (حیاط) خانه، توسط ایوان صورت می‌گرفته. مصالح مورد استفاده به دلیل نوع اقلیم منطقه آجر، گچ، گل و کاهگل، کاشی و موزائیک بوده است.</p> |                                     |                             |  |
| <p>مفاهیم: حس تعلق به مکان‌ها، ویژگی‌های خاص مکان‌ها که از طریق آن‌ها حس مکان شکل می‌گیرند. رابطه فردی و جمعی با مکان‌ها مانند خاطرات فردی و جمعی، ویژگی‌های اجتماعی - فضایی خان‌ها که رابطه در هم تنیده ویژگی‌های اجتماعی مانند گروه اجتماعی و تعاملات اجتماعی را با فضاها و مکان‌های خانه‌ها نشان می‌دهد.</p>  |                                     |                             |  |
| <p>انس و الفت نسبت به فضایی که افراد در آن بزرگ شده‌اند، صدای تلاوت قرآن، صدای باران درون ناودان، بوی نمناک زمین آبپاشی شده، حس خنکی فضای حوضخانه - خوابیدن در پشت‌بام شب‌های تابستان، جمع شدن افراد خانه گرد کرسی.</p>  |                                     |                             |  |
| <p>مفاهیم: تقابل‌های سنت و مدرنیته<br/>تقابل‌های نو / کهنه، برون‌گرا / درون‌گرا، چند طبقه (عمودی) / دو طبقه و تک طبقه (افقی)، سیمان / کاهگل، ...</p>   | <p>تقابل‌های دوگانه</p>             | <p>تقابل سنت و مدرنیسم</p>  | <p>- جنبش مدرن<br/>- پست مدرنیسم و منطقه‌گرایی</p> |
| <p>مفاهیم: اقلیمی و ویژگی آب و هوایی، زیبایی‌های طبیعی و هویت طبیعی منطقه<br/>اقلیم گرم و خشک، تابستان گرم، بهار مطبوع و دل‌چسب، زمستان‌های کم آب، و دارای درختانی همچون مو - چنار - بید مجنون - پیچ امین الدوله. درختان میوه مانند انار، سیب و ...</p>  | <p>فنی / زیبایی‌شناسی</p>           | <p>توصیف طبیعت بومی</p>     | <p>طبیعت و توپوگرافی</p>                           |
| <p>مفاهیم: باورها و ارزش‌گذاری فضا و مکان‌های خانه مذهبی: محرمیت - بیرونی و اندرونی - قرار دادن شمایل پیامبران و ائمه بر دیوار و طاقچه - برگزاری مراسم عزاداری و روضه خوانی -</p>  | <p>نشانه‌شناسی فرهنگی / اجتماعی</p> | <p>باورها و آداب و رسوم</p> | <p>افسانه و واقعیت منطقه</p>                       |



|   |  |  |  |
|---|--|--|--|
| بختن نذورات. غیر مذهبی: استفاده از قالی و قالیچه - استفاده از شمایل قهوه‌خانه‌ای - مراسم تخت‌های رو حوضی. |  |  |  |
|---|--|--|--|

### نتیجه‌گیری

جهت استخراج معماری منطقه‌ای و عناصر مرتبط با آن، رهیافت‌های تحقیق متنوعی وجود دارد. رهیافت پیشنهادی این پژوهش روش‌های نقد ادبی داستان‌های اقلیمی است. در این رهیافت از روش‌های گوناگون روایت‌شناسی، نشانه‌شناختی ساختارگرا و پسا ساختارگرا و نقد اجتماعی بهره گرفته شد. در این پژوهش از آن جهت که محتوا و درون مایه آثار ادبی (داستان‌های اقلیمی) مورد بررسی قرار گرفته، لذا از شیوه نقد محتوایی (معنایی) استفاده شده و از میان انواع رویکردهای آن، با توجه به هدف پژوهش که استخراج اصول منطقه‌گرایی انتقادی فرامپتون از طریق داستان‌های اقلیمی است، رویکردهای زیر استفاده گردید. در فرآیند نقد داستان در روش پیشنهادی، نخستین گام نقد ساختارگرایانه آن است که شامل روایت‌شناسی است. در گام دوم، متن داستان با نگاهی شکلی به روش نقد لغوی (صورتگرایانه) و فنی مورد بررسی قرار می‌گیرد. سپس در گام پایانی از طریق نتایج دو گام پیشین و با نقد عمیق‌تری نگاه محتوایی به داستان شده و با روش‌های نقد نشانه‌شناسی پسا ساختارگرا (نشانه‌شناسی اجتماعی، فرهنگی و گفتمانی) و نقد زیبایی‌شناختی لایه‌های پنهان‌تر متن واکاوی شده است. در اصل با هر کدام از روش‌های نقد ادبی بخشی از ویژگی‌های منطقه‌ای معماری و شهری را می‌توان استخراج نمود که عبارتند از: ۱. روایت‌شناسی: به طور کلی هر داستانی یک روایت دارد و هر معماری نیز دارای روایتی مخصوص به خود است. لذا قبل از هر چیز باید قواعد حاکم بر داستان (نوع، ویژگی‌ها و عناصر اصلی آن) مورد بررسی و تحلیل جهت شناخت ساختار کلی داستان قرار گیرد. ۲. نقد لغوی (صورتگرایانه): به وسیله این روش واژه‌های مرتبط با معماری و فضاهای مربوط با آن که با شکل، کالبد و گونه‌های معماری منطقه در داستان‌های اقلیمی و فرم‌های بومی‌گرایانه در اصول منطقه‌گرایی انتقادی مرتبط است استخراج شده است. کلید واژگانی که مستقیماً به معماری اشاره دارند و خود به دو بخش واژگان عمومی و واژگانی تخصصی که مختص زمان و یا مکان به‌خصوص بوده است. ۳. نشانه‌شناسی: جهت استخراج لایه‌های پنهان‌تر متن داستان مورد استفاده قرار گرفته است، با بهره‌گیری از نشانه‌شناسی ساختاری مفاهیمی مانند تقابل میان سنت و مدرنیته در بخش تقابل‌های دوگانه مورد تحلیل قرار گرفته و از طریق رویکردهای نشانه‌شناسی پسا ساختارگرا به ویژه نشانه‌شناسی فرهنگی و اجتماعی در ارتباط با باورهای موجود در منطقه، مسائلی اجتماعی همچون «افسانه‌ها و واقعیت‌های منطقه» که از اصول منطقه‌گرایی انتقادی است استخراج شده است. این مفاهیم در داستان‌های اقلیمی تحت عنوان آداب و رسوم از آن یاد شده است و شامل «نشانه‌های هویت» و «نشانه‌های آداب و معاشرت» هستند. همچنین ویژگی‌های مرتبط با فضا و مکان، مانند: «حس مکان» و «حس تعلق به مکان»، که با بررسی‌های نشانه‌شناختی نشانه‌های مکانی مورد خوانش قرار گرفته است. ۴. زیبایی‌شناسی و فنی: استخراج مطالب مرتبط با

زیبایی‌شناسی زبانی که در توصیف فضا و مکان‌ها و مناطق بومی و همچنین توصیف طبیعت و توپوگرافی آمده که در ارتباط مستقیم با احساسات و ذوق هنری نویسنده قرار داشته و به وسیله آن استعاره‌های موجود در متن داستان مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.



**منابع و مآخذ:****کتاب‌ها:**

- اخوت، احمد. (۱۳۷۱). دستور زبان داستان. تهران: نشر فردا.
- جمالزاده، محمد علی. (۱۳۷۹). قلتشن دیوان. تهران: انتشارات سخن.
- حبیبی، محسن. (۱۳۸۹). قصه شهر(تهران، نماد شهر نو پرداز ایرانی ۱۲۹۹-۱۳۳۲). تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- حجازی، محمد. (۱۳۴۵). زیبا. تهران: شرکت سهامی افست.
- خالصی مقدم، نرگس. (۱۳۹۲). شهر و تجربه مدرنیته فارسی. تهران: انتشارات تیسرا.
- دیباچ، سید موسی. (۱۳۸۲). شعر و خانه‌ی ما: تحقیقی در معماری و ادب فارسی. تهران: نشر پیوند نو.
- شایان، حمیدرضا. (۱۳۸۷). معماری در زمینه بیگانه تحلیل نظریه منطقه‌گرایی تعاملی در تجارب دهه‌های ۶۰ تا ۹۰ میلادی معماران غیر بومی کشورهای حوزه خلیج فارس (پایان نامه منتشر نشده دکتری معماری). دانشکده معماری، تهران: دانشگاه تهران.
- شهری، جعفر. (۱۳۴۷). شکر تلخ. تهران: چاپ روز.
- علوی، بزرگ. (۱۳۶۳). چشمه‌هایش. تهران: انقلاب و ادبیات.
- فصیح، اسماعیل. (۱۳۷۲). دل کور (چاپ پنجم). تهران: نشر نو.
- مسعود، محمد. (۱۳۸۵). تفریحات شب. تهران: نشر تلاونگ.
- مشفق کاظمی، مرتضی. (۱۳۰۵). یادگار یک شب (جلد دوم تهران مخوف). تهران: کتابخانه طهران.
- میرصادقی، جمال؛ میرصادقی، میمنت. (۱۳۷۷). واژه نامه هنر داستان‌نویسی. تهران: کتاب مهناز.
- هدایت، صادق. (۱۳۸۳). بوف کور. اصفهان: انتشارات صادق هدایت.

**مقالات:**

- حسن لی، کاووس؛ نادری، سیامک. (۱۳۹۶). "بازیابی عنصر مکان در بوف کور صادق هدایت بر پایه‌ی جغرافیای تاریخی ری و تهران". نقد ادبی، شماره ۳۷، صص ۱۸۵-۱۶۳.
- سعدوندی، مهدی و همکاران. (۱۳۹۲). "بازنمود مفاهیم و ساختار ادبی قرآن در معماری اسلامی". مطالعات تطبیقی هنر، ۳(۶)، صص ۸۷-۹۸.

شایان، حمیدرضا؛ کاملنیا، حامد. (۱۳۸۷). "منطقه‌گرایی و چالش‌های معماری معاصر در آغاز هزاره سوم". معماری و شهرسازی، (۹۰ و ۹۱)، صص ۱۵-۱۰.

شیری، قهرمان. (۱۳۸۲). "پیش درآمدی بر مکتب‌های داستان‌نویسی در ادبیات معاصر ایران". نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تبریز، شماره ۱۸۹، صص ۱۹۰-۱۴۷.

صادقی شهپر، رضا. (۱۳۸۹). "نخستین رمان اقلیمی در داستان‌نویسی معاصر ایران". کتاب ماه ادبیات، صص ۳۳۹-۳۵.

صادقی شهپر، رضا. (۱۳۹۱). "حوزه‌های پنجگانه اقلیمی نویسی در ادبیات داستانی معاصر ایران". فصلنامه پژوهش زبان و ادبیات فارسی، صص ۱۲۴-۹۹.

موسی حاجی، سید رسول و همکاران. (۱۳۹۱). "رویکردی باستان‌شناسانه به بازشناسی مفاهیم کاربردی و معنوی عناصر معماری دوران اسلامی ایران بر پایه دیوان اشعار حافظ شیرازی". پژوهش‌های باستان‌شناسی ایران، ۲ (۳)، صص ۴۵-۶۰.

#### English sources:

Abrams, M.H. (1993). A Glossary of literary terms ( 6<sup>nd</sup> ed). New York: Cornell university.

Canizaro, V. (2007). Architectural Regionalism: collected writings on place, identity, modernity and tradition, (1<sup>st</sup> ed), New York: Princeton Architectural Press.

Colquhoun, A. (1997). The Concept of Regionalism. postcolonial Space(s). New York: Princeton Architectural Press.

Culler, J. (2002). Structuralist poetics. London: Routledge Classics.

Egger, K. (2006). Placing Resistance: A Critical Regionalism. Journal of Architectural Education, 55(4), 228- 237.

Frampton, K. (1983). Towards a critical regionalism: six points for an architecture of resistance, in the anti-aesthetic: essays on postmodern culture. Washington: Bay press.

Frampton, K. (1987). Ten Points on an Architecture of Regionalism: a Provisional Polemic. New York: Princeton Architectural Press.

Gutschow, K. (2006). "Concrete Resistance: Ando in the context of critical regionalism ("Pittsburgh History and Landmarks (PHLF) Book Prize for Architectural History". awarded annually to the best paper written in an architectural history class).

Ozkan, S. (2007). "Regionalism within Modernism, Architectural Regionalism". New York: Princeton Architectural Press, 102- 109.

Serageldin, I. (1989). Space for freedom: The search for architectural excellence in muslim societies. London: Butterworth Architecture.

Tzonis, A., & Lefaivre, L. (1996). "Why Critical Regionalism Today? Theorizing a New Agenda for Architecture, an Anthology of Architectural Theory". (Kate Nesbit, ed), New York: Princeton Architectural Press.

Tzonis, A., & Lefaivre, L. (2003). Critical Regionalism: Architecture and Identity in a Globalized word (Architecture in Focus). New York: Prestel Pub.